

فصل نامه علمی تفسیر و تحلیل متون زبان و ادبیات فارسی (دهخدا)

دوره ۱۳، شماره ۴۷، بهار ۱۴۰۰، صص ۲۲۹ تا ۲۵۸

تاریخ دریافت: ۹۸/۲/۲۹، تاریخ پذیرش: ۹۹/۸/۲۸

(مقاله پژوهشی)

نقش روضه‌الشهدای کاشفی در گسترش تحریفات تاریخ عاشورا

دکتر حمیدرضا جدیدی^۱



چکیده

روضه‌الشهدای ملّا حسین واعظ کاشفی (د. ۹۱۰ق) تصویرگر واقعه عاشورا با بیانی ادیبانه و جذّاب و یکی از اولین مقاتل فارسی و از تأثیرگذارترین آثار پیرامون واقعه کربلاست. این اثر پس از نگارش تا به امروز، به سبب گسترش اخبار مجعول و تحریف وقایع، مورد انتقاد جدّی قرار گرفته است، به شکلی که آن را از جمله مهم‌ترین دلایل اشاعه اخبار دروغین و ضعیف تاریخی در مورد حادثه عاشورا دانسته‌اند. در این مقاله ادبی-تاریخی با بهره‌جویی از روش تحلیلی-توصیفی، پس از توضیحات مختصری پیرامون ویژگی‌های اجتماعی-فرهنگی پایان عصر تیموری و آثار و زندگانی کاشفی، ضمن بیان و نقد نظریات مختلف در مورد این اثر و نویسنده آن همچنین ذکر انواع تحریف در واقعه عاشورا، به دلایل ورود مجعولات و تحریفات تاریخی به این کتاب و علل اقبال عمومی به آن پرداخته شده و منابع مورد استفاده و شیوه روایت کاشفی مورد بررسی قرار گرفته است. یافته‌های این پژوهش مبین این حقیقت است که مسائلی مانند ضعف منابع مورد استفاده کاشفی، شیوه‌های روایت داستانی و صوفیانه او؛ تکیه بر حافظه مؤلف به دلیل اشتغال وی به امر وعظ و توجه به انشاءپردازی به جای دقّت در نقل وقایع و قصد کاشفی به عنوان واعظی شیعی در ایجاد ارتباط عاطفی مردم روزگارش با اهل بیت (ع)، از مهم‌ترین دلایل ورود تحریفات به این کتاب است. همچنین می‌توان گفت تیموریان خراسان فضایی ایجاد کردند که نتیجه‌اش پذیرش تشیعی شد که بعدها صفویه به تبلیغ و رسمیت بخشی به آن همت نمودند.

کلیدواژه: تحریفات تاریخی، روضه‌الشهدای کاشفی، مقتل، عاشورا؛ عزاداری، تیموریان.

^۱ . استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد محلات، دانشگاه آزاد اسلامی، محلات، ایران.

مقدمه

اگرچه زبان و ادبیات فارسی در دوره تیموریان (۷۷۱-۹۱۳ق) متأثر از حمایت رجال و شاهزادگان هنردوست و ادب پرور این دوره به اندازه هنرهای دیگر پیشرفت نداشت اما در حوزه‌های نظم و نثر با افراد شاخصی مواجه می‌شویم که آثار معروفی به یادگار گذاشته‌اند؛ یکی این مشاهیر ملّا حسین بن علی، معروف به واعظ کاشفی است که از نویسندگان پرکار و وعاظ و دانشمندان نامی عهد خویش است.

روضه‌الشهدای او از جمله تأثیرگذارترین آثار در زمینه تاریخ و مقاتل عاشورایی به زبان فارسی محسوب می‌شود که سزاوار توجه محتوایی است.

در این مقاله سعی می‌شود به دلایل اثرگذاری این کتاب و نقش آن در گسترش بعضی مجعولات و تحریفات تاریخی و همچنین زمینه اجتماعی نگارش آن در پایان عصر تیموری و توجه فراوان به آن در دوره‌های بعد به ویژه دوره صفویه پرداخته شود.

بر کسی پوشیده نیست که این اثر، با همه زیبایی‌های ادبی و تأثیرات مثبتی که از زمان نگارش تا امروز بر ایجاد گرایش عاطفی به اهل بیت(ع) و تشیع داشته؛ سرمنشأ بسیاری از تحریفات در خصوص واقعه عاشوراست و مجعولات فراوانی حول حماسه عاشورا از این کتاب مشهور سرچشمه گرفته، بنابراین لازم است مورد تدقیق و تحلیل قرار گیرد و این موارد بازنموده شود.

پیشینه پژوهش

در خصوص کتاب روضه‌الشهدای کاشفی به جز آنچه در مقدمه دو چاپ معروف این کتاب به قلم علامه شعرانی و محمد روشن آمده به مختصر توضیحی که ملک‌الشعراى بهار در جلد سوم سبک‌شناسی خود آورده و نیز شرحی که استاد ذبیح‌الله صفا در جلد چهارم تاریخ ادبیات در ایران ذکر نموده می‌توان اشاره داشت ضمن اینکه در رساله دکترای علی تسنیمی که تصحیح این کتاب با بهره جویی از سه نسخه در دسترس بوده، نیز مطالب سودمندی بیان شده است.

دکتر غلامحسین یوسفی در نگارش مدخل کاشفی سبزواری در دانشنامه زبان و ادبیات فارسی

ضمن بیان زندگی و آثار کاشفی توضیحات مبسوطی در مورد کتاب روضه الشهدا داده‌اند. علامه محدث نوری در کتاب لؤلؤ و مرجان خود نکات سودمندی در خصوص تحریفات و مجعولات واقعه عاشورا آورده و سعی کرده واعظان و ذاکران را برای ارائه مطالب سودمند و صحیح راهنمایی کند؛ شهید مطهری از جمله کسانی است که ضمن یادکرد فضل تقدم ایشان، اثرش را ستوده است.

استاد مطهری در کتاب حماسه حسینی به جدّ با تحریفات عاشورا مبارزه کرده است و به نقش روضه الشهدا در گسترش بعضی مجعولات اشاره نموده است. آقای مرتضی نیک سیرت هم در مقاله بررسی روایت وقایع عاشورا در روضه الشهدا به شکل کلی این موضوع را مورد واکاوی قرار داده است. در مقالات و پژوهش‌های استاد رسول جعفریان به ویژه در کتاب تأملی بر نهضت عاشورا مقوله تحریفات عاشورایی و چرایی آن مورد توجه جدی قرار گرفته است. دکتر حکیمه دبیران و علی تسنیمی هم در مقاله کاشفی و نقد و بررسی روضه الشهدا ضمن معرفی این اثر جنبه‌هایی از تحریف را در آن بیان نموده‌اند. مصطفی گوهری و همکاران در مقاله روضه الشهدا از روایات مجعول تا تأثیرگذاری به نحوه ورود بعضی روایات مجعول و نقش این اثر در گسترش تحریفات اشاراتی کرده‌اند. برومند اعلم و حسنخانی در مقاله تأثیر آموزه‌های تصوف بر مقتل نگاری واعظ کاشفی به تبیین یکی از دلایل مهم ورود تحریفات به این کتاب پرداخته شده است. در فصل پنجم کتاب بند بند عشق به قلم نگارنده این سطور، مقوله تحریف توضیح داده شده و انواع آن برشمرده شده و مصادیق گوناگونی از آن با مطالعه موردی واقعه عاشورا تبیین شده است. از جمله آخرین آثاری که مقوله تحریفات عاشورایی را توضیح داده، مقاله تحریفات عاشورا به قلم سید علی اکبر حسینی است که با نظر به روضه الشهدا به اختصار این موضوع را مورد بررسی قرار داده است.

روش پژوهش

در این مقاله ادبی _ تاریخی با توجه به عنوان پژوهش از روش کتابخانه‌ای و استفاده از کتب و مقالات مرتبط برای گردآوری اطلاعات سود برده شده و با روش تحلیلی- توصیفی

موضوع، مورد بررسی قرار گرفته شده، همچنین به فراخور، نمونه‌ها و مصداق‌هایی در بحث و تحلیل موضوع از کتاب ارائه شده است.

مبانی پژوهش

واضح است که متون ادبی از نظر موضوع و درونمایه تنوع فراوانی دارند و بنابر ارزش آثار و اقبال و توجه خواص یا عوام جامعه به آنها بر اندیشه‌ها و باورها اثرگذار خواهند بود. مقاتل عاشورایی که نوعی از آثار تاریخی برشمرده می‌شوند در بین شیعیان جایگاه قابل توجهی دارند و سزاوار نقد و سنجش عالمانه از دیدگاه ادبی، تاریخی و اجتماعی می‌باشند.

«مقتل» به معنی موضع و مکان قتل است یا جایی از بدن که با ضربه‌ای به آنجا به قتل منتهی می‌شود؛ غالباً این کلمه برای مکان شهادت به کار رفته، اما مقتل نگاری شعبه‌ای از دانش تاریخ است که در آن به بیان سرگذشت شهیدان و مکان و نحوه شهادت آنها از زبان راوین پرداخته می‌شود. غرض عمده از نگارش و تدوین مقتل نامه‌ها در تاریخ‌نگاری اسلامی، ثبت اخلاص و ایثار مردان حق است. (ر.ک: آئینه‌وند، ۱۳۷۷، ص ۳۰۰)

«تحریف» در مفردات راغب اصفهانی به مفهوم کج و مایل کردن چیزی از حالت خودش آمده و تحریف کلام یعنی سخن را بر معنای احتمالی حمل کردن به گونه‌ای که امکان حمل آن بر دو معنا وجود داشته باشد. (ر.ک: راغب اصفهانی، ۱۳۹۰: ۱۸۲).

این مفهوم گاهی معادل کژتابی، ابهام و ایهام است. دهخدا با مروری بر فرهنگ‌های گذشته این مفاهیم را برای تحریف بر شمرده شده است: برگردانیدن سخن، گردانیدن سخن و چیزی از وضع و حالت خود، تغییر هر چیز عموماً و تغییر کتاب خصوصاً، تبدیل، انقلاب، سرنگونی و واژگونی و انحراف سخن و یا چیزی دیگر از حالت و وضع خود و تقلب، میل دادن چیزی و قرار دادن چیزی بر جنب و طرفی، در اصطلاح محدثان عبارتست از تصحیف یعنی تغییر حدیث. (ر.ک: دهخدا، ج ۵، ۱۳۷۷: ۶۴۷۶) تحریف مسأله را از حالت اصلی برمی‌گرداند و در حقیقت نوعی تبدیل و تغییر است که با افزودن و کاستن متن همراه می‌شود.

شهید مطهری تحریف را منحرف کردن و کج کردن یک چیز از مسیر و مجرای اصلی خود معنی کرده و آن را دونوع بر شمرده: لفظی (قالبی و پیکری) و معنوی. ایشان محرّفان را نیز دو گروه می‌دانند: دوستان و دشمنان، یعنی منشأ تحریف یا جهالت دوستان است یا عدوات دشمنان. (ر.ک: مطهری، ج ۳، ۱۳۶۵: ۲۵۱)

انکار اصل واقعه عاشورا با وجود غنای متون و روایات و آثار آن ممکن نبوده و نیست بنابراین معاندین یا دوستان نادان به تحریف آن مبادرت کرده‌اند به شکلی که اسم عاشورا و امام حسین باشد اما تأثیر آن و فلسفه آن نباشد در این مسیر بی سواد و کم اطلاعی افرادی که وظیفه تبیین این حماسه را داشتند و همچنین برخورد صرفاً عاطفی و احساسی با این موضوع یا بهره‌مندی‌های سیاسی خاص و لحاظ کردن بعضی ملاحظات باعث شده بسیاری از تحریفات رخ دهد و استفاده ابزاری و مادی از عاشورا توسط گروهی دیگر به این امر دامن زده است البته وجود مُستَمعِنی که اهل مطالعه و پژوهش نیستند میدان را برای محرّفان آماده نموده است.

اشکال مختلف تحریف واقعه عاشورا در چهار عنوان قابل طرح است:

الف- تحریف لفظی؛ یعنی عوض کردن ظاهر یک مطلب و افزودن و کاستن آن یا طرح مطالبی که اصلاً وجود نداشته‌اند.

ب- تحریف معنوی؛ یعنی توضیح و تفسیر نادرست از یک واقعه به شکلی که با حقیقت همخوانی نداشته باشد.

ج- تحریف عملی؛ یعنی تحریف حقایق به گونه‌ای باشد که به عمل اشتباهی منجر شود؛ مثلاً بیان خواب‌ها و روایت‌های ضعیفی که اثر عملی آن به کوچک شمردن اوامر الهی منجر شود و بدآموزی داشته باشد.

د- تحریف شیوه‌ها و سنت‌های عزاداری؛ این شیوه‌ها و اشکال عزاداری با توجه به تنوع نژادی، زبانی و قومی بر اساس یک فلسفه و ارزش منطقه‌ای و بر اساس فرمایش‌های معصومین و بزرگان به وجود آمده که هدف همه آنها زنده نگه داشتن عاشورا و افزایش معرفت نسبت به این حماسه بزرگ همچنین تقویت ارتباط قلبی با ائمه معصومین به ویژه

امام حسین (ع) است و اگر این ظواهر ما را به آن باطن ملحق نکند یا دور سازد نقضِ غرض رخ داده و نوعی تحریف است. (ر.ک: جدیدی، ۱۳۹۴: ۸۲-۹۲)

هگل انواع تاریخ را سه گونه برشمرده: الف- تاریخ دست اوّل، که گزارش گواهان عینی رویدادهاست. ب- تاریخ اندیشه گرایانه که این نوع دوم خود به شش گونه فرعی تقسیم می‌شود. ج- تاریخ فلسفی که بیشتر بیان‌کننده فلسفه وقوع رویدادهاست. (ر.ک: هگل، ۱۳۶۶: شانزده تا هیجده مقدمه و صص ۱-۵۵) آنچه مسلم است روضه‌الشهدا از جمله کتب نوع اوّل محسوب نمی‌گردد ولی مطالبش را می‌توانیم تا حدّی در ردیف گونه های دوم و سوم لحاظ کنیم و اتفاقاً اکثراً تحریفات و تحلیل‌های ناصواب زاییده این دو دسته آثار دانسته شده است و پیوسته مطالب متون دست اوّل از ارزش استنادی بالاتری در پژوهش‌های تاریخی برخوردار بوده اند.

شهید مطهری در مورد تحریفات واقعه عاشورای حسینی می‌گویند: «در نقل و بازگو کردن حادثه عاشورا، ما هزاران تحریف وارد کرده‌ایم! هم تحریف‌های لفظی، یعنی شکلی و ظاهری که راجع به اصل قضایا، راجع به مقدمات قضایا، راجع به متن مطلب و راجع به حواشی مطلب است و هم تحریف در تفسیر این حادثه، ... تحریف‌های که به دست ما مردم در این حادثه صورت گرفته است، هم در جهت پایین آوردن و مسخ کردن قضیه بوده است هم در جهت بی‌خاصیت و بی‌اثر کردن قضیه بوده است. در این قضیه هم گویندگان و علمای امت و هم مردم تقصیر داشته‌اند.» (مطهری، ج ۱، ۱۳۶۵: ۱۸) حاج میرزا حسین نوری هم مرکز روضه‌های دروغ را در کربلا و نجف و ایران یعنی همین مراکز تشیع می‌داند. (نقل از همان، ۲۰) یعنی بیشتر دوستان ناآگاه در گسترش مجعولات و تحریفات دخالت دارند.

با توجه به اینکه روضه‌الشهدا از نخستین مقاتل فارسی محسوب می‌شود و اصالتاً کتابی تاریخی نیست باید توجه کنیم نحوه انتقال مطالب در مقاتل با کتب تاریخی تفاوت‌هایی داشته؛ از جمله اینکه «مورخان تنها حوادثی را که اتفاق می‌افتد پی‌درپی ضبط می‌کردند و به ندرت به تسلسل تاریخ و تتبع علل و مسببات و یافتن نتایج می‌پرداختند.» (الفاخوری، ۱۳۸۶: ۵۶۰) ولی در شرح حال‌ها و مقاتل علاوه بر ذکر حوادث کلی به بررسی علل وقایع

و تبیین حال و هوای رخدادها نیز توجه شده است. (ر.ک: نیک پایان، ۱۳۷۵: ۲۸) «در مقاتل، حوادث تاریخی و کتب مربوط به عنوان منبع اصلی از سوی مؤلفان مورد استفاده قرار گرفته است اما چیزی که آنها را از کتب تاریخی متمایز می‌کند اولاً شرح وقایع است که گهگاه به صورت نقل و قصه جلوه می‌کند و دیگر استفاده آزادانه از تخیل برای ذکر علل و سبب رخدادها.» (همان، ۲۹)

بحث

کاشفی با صدایی گرم و حافظه‌ای قوی و گفتاری گیرا، مردم بسیاری را به خویش جذب می‌کرد. وی در سبزواری به دنیا آمد و از آنجا به نیشابور و مشهد رفت و در ۸۶۰ ق ظاهراً تحت تأثیر خوابی به هرات رفت و به سلک طریقت نقشبندیان درآمد و با بزرگانی چون جامی و امیرعلیشیر نوایی و سلطان حسین بایقرا آشنا گردید و از حمایت‌های آنان برخوردار شد و تا زمان وفات در ۹۱۰ ق در همان شهر به وعظ و خطابت و تصنیف گذراند. (ر.ک: یوسفی، ۱۳۹۳: ۳۰۸) آورده‌اند، «صبح روز جمعه در دارالسیاده سلطانی... به وعظ مشغولی می‌کرد و بعد از ادای جمعه در مسجد جامع... در روز شنبه در مدرسه سلطانی وعظ می‌گفت و روز چهار شنبه در مزار پیر مجرد... و نیز در اواخر اوقات حیات چندگاه در حظیره سلطان احمد میرزا روز پنج شنبه به آن امر پرداخت.» (خواندمیر، ۱۳۸۰ ج هفتم / ۵۹۶۵) از جمله آثارش به جز روضه الشهداء می‌توان به این کتب اشاره کرد: جواهرالتفسیر لتحفه الامیر، جامع السنتین، تفسیر حسینی، مختصر الجواهر، اخلاق محسنی، مخزن الانشاء، انوار سهیلی یا کلیله کاشفی، اسرار قاسمی، چند کتاب در نجوم، بدیع الافکار فی صنایع الاشعار، رساله حاتمیه، دو برگزیده از مثنوی معنوی مولوی، شرحی بر مثنوی و فتوت نامه سلطانی (ر.ک: صفا، ۱۳۷۱: ۵۲۳-۵۲۶) آثار کاشفی که استنادش به او احراز شده شامل ۳۹ کتاب و رساله است که از پرکاری و جامع‌الاطراف بودن وی حکایت می‌کند. (ر.ک: یوسفی، ۱۳۹۳: ۳۱۱) در نثر روضه الشهداء همانند اکثر کتب تاریخی و متون منثور آن عهد میل به سادگی دیده می‌شود و آرایه‌های لفظی و معنوی فراوانی مشاهده می‌شود. (ر.ک: جدیدی ۱۳۹۵: ۳۵۹) کاشفی در ۹۱۰ ق در هرات وفات یافت و تاریخ نگارش روضه الشهداء به تصریح مؤلف در

آغاز باب دهم کتاب ۹۰۸ق بوده است: «... به واسطه غرابت این حال است که از روز شهادت امام حسین (ع) تا تاریخ تألیف این کتاب که قریب ۸۴۷ سال است.» (کاشفی، ۱۳۹۱: ۴۷۳) می‌خواند نیز همین تاریخ را برای وفات او ذکر نموده است: «چون مقتضای اجل موعود رسید، فی سنه عشر و تسع مائه، مَهر سکوت بر لب زده، عالم آخرت را منزل ساخت.» (خواندمیر، ج ۷، ۱۳۸۰: ۵۹۶۶) آنچه از شرح احوال کاشفی نقل شده بیانگر محبوبیت و نفوذ او در بین درباریان، خواص و عوام بوده است، همچنین جامعه‌ای را نشان می‌دهد که علما و خطبای آن دارای حرمت و اثربخشی بودند، همین امر آنان را به نگارش و تلاش بیشتر در حوزه تخصصشان وامی داشته است.

نکته مهم و قابل ذکر در عملکرد تیمور و جانشینان او نقش آنها در گسترش اسلام به ویژه در شبه قاره هند و شمال خراسان است. مثلاً در بیان علت حمله تیمور به هندوستان در ظفر نامه شامی آمده: «به مسامع شریفه رسانیده بودند که با آنکه اعلام دین محمدی (ص) در بلاد دهلی و کنبایت و بعضی دیگر از بلاد هندوستان افراشته است ... اما عامه اطراف آن ممالک به خباثت وجود کفار ملوث است.» (شامی، ۱۳۶۳: ۱۷۰) باید دانست برای بسیاری از فاتحان و قدرت طلبان همانند تیمور، ترویج یک مذهب بهانه کشورگشایی و حفظ قدرت بوده و کمتر اعتقاد حقیقی در اعمال آنها مشاهده می‌شده است.

تیمور در سایه توجه به سادات و بزرگان شیعه و شیوخ صوفیه با اینکه خود را سنی می‌دانست به تقویت مشروعیت حکومت خویش می‌اندیشید، بنابر این نوعی آزادی عقیده در سراسر قلمرو تیموریان وجود داشت و آنها که بر فقه حنفی بودند برای مذاهب دیگر اسلامی زحمتی نداشتند. اغلب محققان تاریخ معتقدند که تیمور علاقه چندانی به مذهب نداشته است، ولی برای اینکه بتواند به اهداف سیاسی و نظامی و بالطبع اقتصادی خویش نائل آید ناچار به حمایت از اسلام و علمای اسلامی برخاست و خود را مؤحیی و مجدد دین اسلام نشان داد. (ر.ک: رفیعی، ۱۳۷۵: ۱۲۹) «شاهرخ (۸۰۷-۸۵۰ق) جانشین امیر تیمور نیز سعی در اکرام شیعیان داشت؛ او نسبت به اهل بیت و سادات از خود علاقه نشان می‌داد.» (شهیدی، ۱۳۹۵: ۶۶) دینداری و اعتقاد شاهرخ به احکام اسلامی آنچنان محکم و استوار بود که مورخان او را نیز همچون تیمور مجدد دین قلمداد کرده‌اند. (ر.ک: رفیعی ۱۳۸۳: ۲۶۹)

الغ بیگ (۷۹۶-۸۵۳ق) در مقایسه با پدرش شاهرخ - که فردی متدین و مقید به اجرای احکام شرعی بود - نه تنها در شعائر دینی متعصب نبود، بلکه علی الظاهر رفتاری آزادمنشانه در زمینه مذهبی از خود نشان می‌داد. (همان، ۱۳۸۲: ۵۷۵) ظاهراً سلطان حسین بایقرا (۸۷۳-۹۱۱ق) در دیدار با واعظانی مثل کاشفی شیعه مذهب به آنها آزادی عمل داد تا در هرات که اکثر اهالی سنّی بودند به تبلیغ تشیع پردازند و خود سلطان گرایش فراوانی به تشیع و امامان معصوم (ع) پیدا کرده بود به گونه‌ای که دستور داد در پایتختش، خطبه و سگّه به نام ائمه معصومین مزین شود هر چند جمعی از بزرگان و متعصبین حنفی مذهب را خوش نمی‌آمد اما او به ادامه این رفتار دستور می‌داد. (ر.ک: خواندمیر، ج ۴، ۱۳۳۳: ۱۳۶) طبیعی است در فضایی که مبتنی بر نوعی تسامح مذهبی و احترام به اعتقاد دیگران است علما، علاوه بر داشتن نفوذ و احترام، بهتر می‌توانند آگاهی‌های خود را گسترش دهند و به موضوعات تازه بیندیشند.

اگر صفویّه در رسمیت بخشی به شیعه توفیق یافتند این مسأله به دلیل پیشرفت تشیع در عصر تیموری به ویژه در دوران سلطان حسین بایقرا بوده است. بستر مذهبی مهیا شده تیموریان در زمان سلطان حسین به نهایت رشد خود رسید و مهیای رسمی شدن شیعه به وسیله صفویان گردید. (ر.ک: شهیدی، ۱۳۹۵: ۸۰) در عهد تیموریان شیعیان دوازده امامی برای ترویج عقاید خود در سراسر ایران پراکنده شدند و با کوششی مداوم در صدد تحصیل برتری بر سنّیان برآمدند. کاشفی که تا پایان عمر در مرکز حکومت تیموریان زیست، متأثر از این تساهل و تسامح مذهبی بود و مانند دیگر بزرگان دربار تیموری مخصوصاً نسبت به اهل بیت (ع) ارادت داشت. اینکه بعضی وی را شیعه و برخی دیگر سنّی پنداشته‌اند در درجه دوم اهمیت قرار دارد و مهمترین نکته در مورد او این حقیقت است که کاشفی مؤلف معروف‌ترین و تأثیرگذارترین مقتل به زبان فارسی در مورد عاشورا تا روزگار خویش و سال‌های متمادی پس از آنست که نزد شیعیان از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده و هست.

نامش حسین و زادگاهش سبزوار از مراکز قدیم شیعه بود اما به سبب سکونت طولانی در هرات و دوستی با افرادی چون امیر علیشیر نوایی و جامی و انتساب به صوفیان سنّی مذهب نقشبندیّه، سنّی دانسته شده است. آفندی در ریاض‌العلمای خود نیز وی را حنفی

دانسته است. (ر.ک: افندی اصفهانی، ج ۲، ۱۴۰۱ق: ۱۸۶) صوفیان نقشبندیّه بر خلاف سایرین سلسله خود را به ابوبکر می‌رسانند. خواجه علاء الدّین عطّار (د. ۸۰۲ق) خواجه محمد پارسا (د. ۸۲۲ق) و عبدالرحمن جامی (د. ۸۹۸ق) از بزرگان نقشبندیّه‌اند. ظاهراً اهل این سلسله حتّی در بیان سلسله انتسابشان به ابوبکر تعصّبی نداشتند آن گونه که جامی در بهارستان آورده: «خواجه بهاءالدّین نقشبند را پرسیدند که سلسله شما به کجا می‌رسد؟ فرمودند: از سلسله کسی به جایی نمی‌رسد.» (جامی، ۱۳۷۴: ۳۶) کاشفی «فرد متعصّبی در دین نبود بلکه هدفش ترویج سلوک دینی با رویکردی عرفانی در میان حاکمان و عموم مردم بود. این هدف حتّی در گرایش مذهبی او نیز تأثیرگذار بود به نحوی که می‌توان به یک سیر تحول فکری از تشیّع به طریقت صوفیانه (نقشبندی سنّی مذهب) و از آن به تشیّع برای او قائل شد.» (امینی‌زاده؛ رنجبر، ۱۳۹۶: ۲۱)

به طور کلی در مورد مذهب کاشفی سه نظر وجود دارد که هر کدام نیز دلایل مستندی دارد: الف: شیعه بودن ب: سنّی بودن ج: سنّی دوازده امامی بودن؛ که نظر استاد رسول جعفریان است یعنی سنّی با علایق شیعه اثنی عشری. (ر.ک: دبیران و تسنیمی، ۱۳۸۷: ۲۸-۳۰) بهتر است بگوییم کاشفی در مذهب اهل تسامح بود. «او یک صوفی است. صوفیان مقید به طریقت‌اند و در شریعت اهل تسامح.... فضای حاکم بر ایران قبل از استیلای صفویان، ملهم از تشیّع، تسنّن و تصوّف و مردمانش از نظر مذهبی در حالتی از تفاوت‌اند که برخی برای تبیین عقاید مذهبی آنها از اصطلاح سنّی دوازده امامی استفاده می‌کنند.» (رسول جعفریان، به نقل از برومند اعلم و حسنخانی، ۱۳۹۴: ۴) کاشفی از آنجا که در سبزواری نشو و نما یافته بود با عقاید شیعی آشنایی کامل داشت، لذا هنگامی که به هرات رفت و به طریقه نقشبندیّه وارد شد توانست در آثار خود خصوصاً روضه الشهداء نوعی ارتباط میان عقاید شیعی و سنّی و صوفیه برقرار کند. (ر.ک: همان، ۸) به عبارت دیگر «اندیشه دینی کاشفی دستاوردی بزرگ از امتزاج نگاه تصوّفی-تشیعی است و آخرین مرحله تکاملی گذر به تشیّع را طی می‌کند. امری که در عمل نزدیکی اذهان جامعه سنّی- صوفی به مرزهای اعتقادی شیعه را در پی دارد.» (امینی‌زاده؛ رنجبر، ۱۳۹۶: ۱۷) گذر از دگماتیسم مذهبی جامعه را برای تبعیت و استقبال از نظر و باور بهتر کمک می‌کند و جزمی‌نگری را به حاشیه می‌راند. این

مسأله در عهد تیموری نیز قابل مشاهده است و ما با شخصیت‌هایی با نفوذ مواجه هستیم که بعدها در مورد مذهب آنها اختلاف آرا پیش آمده؛ جامی و کاشفی از آن جمله‌اند.

از این کتاب تلخیص‌ها و ترجمه‌هایی در دست است که نشان از توجه زیاد به آن دارد از جمله تلخیص‌هایی با عنوان ده مجلس و منتخبات روضه‌الشهداست. فضولی بغدادی (د. ۹۷۰ق) آن را همراه با اضافاتی به نام حقیقه‌السعدا به ترکی ترجمه کرده و شرح منظومی از آن به زبان دکنی، سروده ولی، به همان نام روضه الشعرا هست که در ۱۱۳۰ق سروده شده و ترجمه‌هایی به زبان‌های اردو و هندی هم از آن موجود است. (ر.ک: یوسفی، ج ۵، ۱۳۹۳: ۳۰۹)

انتقادات درباره روضه‌الشهدا

این کتاب مخصوصاً در دوره‌های اخیر مورد انتقاد افراد زیادی واقع شده و محاسن ادبی و معایب محتوایی آن مورد توجه قرار گرفته است میرزا ابوالحسن شعرانی در مقدمه روضه‌الشهدای مصحح خود نوشته است: از نقل ضعیف در روضه‌الشهدا عجب نباید داشت، چون در ادای مقصود واعظ، قوی است اگرچه برای مقصود مورخ کافی نیست. (ر.ک: شعرانی، ۱۳۸۲: ۶) سید محمد علی قاضی طباطبایی مطالب آن را بی ارزش و از درجه اعتبار ساقط می‌داند. (ر.ک: قاضی طباطبایی، ۱۳۸۳: ۶۶) محدث نوری در کتاب ارجمند لؤلؤ و مرجان، به مناسبت‌های مختلف از این کتاب یاد کرده و گزارش‌های تاریخی این کتاب را بدون پشتوانه تاریخی می‌داند. (ر.ک: محدث نوری، ۱۳۸۸: ۲۸۷) و در جای دیگر مطلب کذبی از این اثر نقل می‌کند. (ر.ک: همان، ۱۵۷) در شروع کتاب هم به توضیح اصطلاح «روضه خوان» می‌پردازد و می‌گوید: چون پیشتر، افرادی خاص، مرثی عاشورا را از روی این کتاب می‌خواندند در میان مردم به روضه خوان معروف شدند و روضه خوانی از آنجا باب شد. (ر.ک: همان، ۹) میرزا عبدالله افندی اصفهانی اکثر روایات این کتاب بلکه همه آن را مأخوذ از کتب غیر مشهور و غیر قابل اعتماد می‌داند. (ر.ک: افندی اصفهانی، ج ۲، ۱۴۰۱ق: ۲۳۱).

صاحب اعیان‌الشیعه روایات این کتاب را غیر مستند و غیر منطبق با واقعیات تاریخی می‌داند. (ر.ک: امین، ج ۶، ۱۴۲۱ق: ۱۲۲) شهید مطهری بیش از دیگران به این اثر تاخته و آن را پر از

دروغ می‌خواند و تألیف آن را مانع مراجعه به منابع اصلی و مطالعه تاریخ واقعی امام حسین (ع) می‌داند. (ر.ک: مطهری، ج ۱، ۱۳۶۵: ۵۴)

ایشان کتاب‌هایی چون روضه‌الشهدا و اسرارالشهدا را مملو از افسانه می‌داند و می‌گوید: «جامعه‌ای که تاریخی مانند تاریخ حسین بن علی دارد، مملو از افتخار و حماسه و عظمت و زیبایی و آموزندگی و الهام بخشی و آن را پر می‌کند از افسانه‌های احمقانه روضه‌الشهدایی و اسرارالشهدائی، حقاً چنین جامعه‌ای سَفیه است نه رشید. ما امروز باید همان طوری که به حفظ آثار تاریخی و ملی می‌خواهیم بکوشیم به حفظ تاریخ خودمان بکوشیم.» (همان، ج ۳: ۳۰۳) بعضی معتقدند روضه‌الشهدا مقتلی است که با عقاید و تحولات زندگی نویسنده‌اش آمیختگی زیادی دارد. (ر.ک: برومند، حسنخانی، ۱۳۹۴: ۱) «کتاب روضه‌الشهدا مسائل را به شکل تاریخی بحث کرده؛ اما متنش ادبی است. حوادث را لحظه به لحظه گزارش کرده و حتی برای نقل‌ها گاهی منبع هم ذکر می‌کند اما متأسفانه سرشار از نقل‌های ساختگی است که به احتمال از کتاب‌های دیگر برداشته، بعدها این کتاب منبعی برای آثار دیگر شد و از این طریق دروغ‌های زیادی در کتاب‌های بعدی وارد شده است.» (جعفریان، ۱۳۹۱: ۴۵۳)

این کتاب از جمله تأثیرگذارترین آثار در متون تعزیه ایرانیان است و بر اساس توصیفات نگارنده آن از واقعه عاشورا نگارگری‌های فراوانی صورت گرفته است که علاوه بر کتب در پرده خوانی‌ها و شبیه‌خوانی‌ها مورد استفاده قرار می‌گرفته؛ این تعزیه‌ها با وجود نقش ارزشمند تبلیغی در زنده نگه داشتن قیام عاشورا، خود از دلایل ورود تحریفات و مجعولات محسوب می‌شوند. مثلاً تعزیه (شبیه) امیر تیمور، تعزیه عروسی قاسم و حضور لیلی یا حضور شهربانو در کربلا و تعزیه زعفر جَنّی و وجود مطالب مجعول و مشکوک در کتاب، امری غیر قابل انکار است. این موضوع دلایل متعددی دارد که به مهمترین آنها اشاره می‌شود.

نمونه‌هایی از مطالب نادرست و تحریفات در روضه‌الشهدا

با نگاهی اجمالی به کتاب که در ده باب و یک خاتمه تألیف شده، به ویژه بخش اصلی آن، یعنی سه باب پایانی که بیان مقتل حضرت سیدالشهدا و حوادث بعد از واقعه است، موارد زیادی از مطالب سُست و مجعول یافت می‌شود که ذکر و توضیح همه آنها خود

کتاب مبسوطی خواهد شد بنابراین به بعضی از آنها اشاره می‌گردد؛ این تحریفات هم لفظی است و هم معنوی و هم عملی و به تحریفات سنت‌های عزاداری نیز انجامیده و بسیاری در منابع مورد استفاده کاشفی مذکور است:

۱- خلق حوا از پهلوی چپ آدم. (ر.ک: کاشفی، ۱۳۹۰: ۴۰) این مطلب از اسرائیلیات مشهور است.

۲- افتادن آدم و حوا به سرانندیب و جدّه در ساحل دریای هند. (ر.ک: همان، ۴۰)

۳- نصف عذاب دوزخ برای قابیل است. (ر.ک: همان، ۴۸)

۴- ماندن دختر هفت ساله امام حسین به دلیل بیماری در خانه ام سلمه و آمدن کلاغ خون آلودی که خبر رسان کشتی نوح بود و... (ر.ک: همان، ۵۲)

۵- اینکه شأن نزول سوره یوسف تسلی دل پیامبر و اهل بیت در شهادت امام حسین بوده است. (ر.ک: همان، ۷۰)

۶- وجود شتر پیام رسان از حضرت یوسف به حضرت یعقوب. (ر.ک: همان، ۹۰)

۷- وجود بیست و دو هزار زخم و جراحت بر بدن امام حسین. (ر.ک: همان، ۹۸)

۸- قتل عام شامیان توسط تیمور در انتقام شهدای کربلا. (ر.ک: همان، ۱۰۵) کاشفی قتل عام شامیان توسط تیمور را انتقام از آنها به واسطه شرکت داشتن نیاکانشان در قتل امام (ع) معرفی کرده است. درست است که تیمور با شعار انتقام‌خواهی امام حسین (ع) دمشق را گشود ولی با توجه به این که اهل منبر بر اساس تأکید کاشفی بر انگیزه مذکور و نه تواریخ، فتح شام را بازگو می‌کردند، دور نیست که آنچه به عنوان شبیه یا تعزیه امیر تیمور تا چند دهه قبل در ایران برگزار می‌شد از روضه‌الشهدا بوده باشد. (ر.ک: شعرانی، ۱۳۸۲: ۶۶)

۹- عقوبت بیست و دو هزار کوفی شرکت کننده در جنگ با امام در عرض یک سال. (ر.ک: کاشفی، ۱۳۹۰: ۱۱۴)

۱۰- خون باریدن آسمان و خونین بودن هر سنگی در مسجدالاقصی و اطرافش پس از شهادت امام. (ر.ک: همان، ۱۳۴) و نیز زمین لرزه در کربلا و غریو از آسمان با شهادت امام (ع) (ر.ک: همان، ۴۶۹)

- ۱۱- پرواز جنازه جعفر ابی طالب از سر نیزه کفار به بهشت در جنگ. (ر.ک: همان، ۱۳۷)
- ۱۲- گم شدن امام حسین (ع) در طفولیت و یافتن او با راهنمایی آهو. (ر.ک: همان، ۱۷۲)
- ۱۳- داستان پیرمرد نابینا که پس از شهادت حضرت علی (ع) متوجه شد که ایشان هر شب به او سر می زده اند. (ر.ک: همان، ۲۴۰)
- ۱۴- وصیت امام حسن (ع) به برادرش برای عروسی قاسم با دختر امام حسین (ع). (ر.ک: همان، ۲۶۱)
- ۱۵- کشته شدن زن خیانتکار امام حسن در دمشق با بستن او بر دم اسب و افکندن او به دریا. (ر.ک: همان، ۲۶۳)
- ۱۶- داستان فطرس ملک که در انجام امر الهی کوتاهی کرده، بالهایش سوخته بود و با تولد امام حسین خویش را به ایشان مالید و بهبود یافت. (ر.ک: همان، ۲۶۸)
- ۱۷- قصه زن زیبای مطلقه زبیر و خواستگاری همزمان امام حسین و یزید از او و بروز اختلاف بین آنها. (ر.ک: همان، ۲۸۷)
- ۱۸- شهادت هاشم بن عتبه در کربلا که سالها قبل در نبرد صفین به شهادت رسیده بود. (ر.ک: همان، ۴۰۲)
- ۱۹- بیماری ابن زیاد در اثر چکیدن خون سر امام بر پای او. (ر.ک: همان، ۴۸۷ و ۳۵۸)
- ۲۰- آمدن مسلم بن عقیل از مکه به مدینه و سپس رفتن او به عراق به دستور امام. (ر.ک: همان، ۳۹۵)
- ۲۱- آمدن ده هزار نفر از شام به فرماندهی عامربن طفیل برای کمک به ابن زیاد. (ر.ک: همان، ۳۰۴)
- ۲۲- وجود اسامی جعلی فراوان در جمع دو سپاه که در هیچ منبعی نیامده. مثل سامر، حجر حجّار، حمادبن انس، هاشم بن عتبه، وقاص بن مالک و...
- ۲۳- حضور لیلی مادر حضرت علی اکبر در کربلا و هجده ساله بودن علی اکبر هنگام شهادت و کشتن دو هزار نفر در یک حمله توسط ایشان. (ر.ک: همان، ۳۵۳)
- ۲۴- خطا رفتن تیر پانزده هزار تیرانداز که به سوی امام حسین تیراندازی می کردند. (ر.ک: همان، ۳۵۳)

همان، (۴۶۱)

۲۵- گفتگوی سر امام حسین با پیر ترسا. (ر.ک: همان، ۴۹۹)

۲۶- عروسی قاسم بن حسن با دختر امام حسین در ظهر عاشورا. (ر.ک: همان، ۳۴۰) این مطلب که همه جنبه‌های تحریف را در خود جمع کرده اوج مطالب مجعول در واقعه عاشورا است. «ظهر عاشورا که امام دو رکعت نماز خوف خواندند و دو نفر هم سپر ایشان شدند و به شهادت رسیدند گفته‌اند، امام فرمودند: حجله عروسی را آماده کنید می‌خواهم عروسی قاسم را با یکی از دخترانم ببندند.» (مطهری، ج ۱، ۱۳۶۵: ۲۷-۲۸) «حکایت تزویج فاطمه به قاسم در کربلا از حکایات مجعوله و مخترعه است که کاشفی نقل کرده و شیخ طریحی از باب سهل‌انگاری در منتخب و سید محدث بحرانی در مدینه‌المعجزات از منتخب نقل کرده و موجب سرایت و اشتها در السنه و افواه شده و کسی از علمای نسب و تاریخ این احتمال را نگفته، زیرا که علمای نسب را شبهه نیست که از برای حضرت حسین (ع) دو دختر بیشتر نبوده، یکی فاطمه که خود حضرت او را تزویج نمود برای حسن بن حسن و دیگری سکینه که امینه نام داشت. پس هویدا است که داستان عروسی و نکاح قاسم از امور واهی مکتوبه است و صحت ندارد.» (اشراقی، ۱۳۷۹: ۱۳۸) این تحریف در مراسم سوگواری عاشورا در مناطق مختلفی راه پیدا کرده که گل آوردن و حجله درست کردن و عروس قاسم آراستن و.. از آن جمله‌اند.

۲۷- تحریف در مسأله شفاعت. این مطلب چند بار در این کتاب ذکر شده. مثلاً: «حسین روز قیامت به عرصات آید ... و گوید: خدایا مرا شفاعت ده در حق کسی که در مصیبت من گریسته... شفاعت حسین به محل قبول رسیده، گریندگان حسین را برات نجات ارزانی دارند.» (کاشفی، ۱۳۹۱: ۶۷) یا «آب سرچشمه لطفش چون ترشح نمودی، غبار جرائم از صفحه حال هر گنهکار محو فرمودی.» (همان، ۲۷۲) و «اروزی که امام حسین (ع) کمر شفاعت بریندد، هر که امروز برای او گریسته، آن روز لب امیدش از یافتن مراد بخندد.» (همان، ۴۷۷) شهید مطهری شفاعت صحیح را دو نوع می‌داند: ۱- شفاعت رهبری یا شفاعت عمل ۲- شفاعت مغفرت یا شفاعت فضل (ر.ک: مطهری، ۱۳۹۱: ۲۲) «اگر کسی گمان کند که تحصیل رضا و خشنودی خدای متعال راهی دارد و تحصیل و خشنودی فرضاً امام حسین

(ع) راهی دیگر و هر یک از این دو جداگانه ممکن است انسان را تأمین کند، دچار ضلالت بزرگی شده است... این چنین تصویری از شفاعت نه تنها باطل و نادرست است بلکه شرک در ربوبیت است... امام حسین برای اقامه نماز و زکات و سایر مقررات اسلام از زندگی چشم پوشید و به شهادت تن داد.» (همان، ۲۲۵) شفاعت امام حسین (ع) به این صورت نیست که بر خلاف رضای خدا و اراده او چیزی را از خدا بخواهد. شفاعت او دو نوع است: یک نوع آن همین هدایت‌هایی است که در این جهان ایجاد کرده است و در جهان دیگر مجسم می‌شود و نوع دوم.. شفیع کسانی است که از مکتب او هدایت یافته‌اند او شفیع کسانی نیست که مکتبش را وسیله گمراهی ساخته‌اند. (ر.ک: همان، ۲۲۹) اینکه به مجرد گریه بر امام همه گناهان شخصی بخشیده شود و مورد شفاعت قرار گیرد از بدآموزی‌های خطرناکی است که از این دست آثار منتقل شده است.

۲۸- درخواست امام حسین (ع) از شمر در لحظات آخر که از سینه من بلند شو تا نماز بخوانم و تو در حال سجده سر از تن من جدا کن! (ر.ک: همان، ۴۷۰)

۲۹- رسیدن مهتر پریان به نام زعفرجنی زاهد به حضور امام حسین برای استجازه جهاد! (ر.ک: همان، ۴۶۲) «حاجی نوری می‌گوید این داستان زعفرجنی و عروسی قاسم، اول بار در کتاب این مرد نوشته شده.» (مطهری، ج ۱، ۱۳۶۵: ۵۳)

دلایل ورود تحریفات و مجعولات به روضه الشهداء

کتابی با شهرت و تأثیر روضه الشهداء متأسفانه پس از نگارش تا امروز منبعی برای ترویج و گسترش تحریفات گوناگون شده بنابر این مناسب است به دلایل ورود این دست مطالب به چنین اثری پرداخته شود. از جمله این دلایل این موارد است:

توجه به زیبایی‌های ادبی، استفاده از اشعار و غفلت از محتوا

نویسنده در بسیاری از بخش‌ها با بهره جویی از خیالپردازی و توصیف و همچنین آرایه‌های ادبی و اشعار شاعران دیگر به جای نقل مقتل یا بیان تاریخ به آفرینش ادبی مشغول گردیده. کاربرد شعر در این کتاب فراوان است و این اشعار از شاعران مختلف نقل شده و بعضی سروده خود کاشفی است. اشعار قاسم انوار و ابن حسام خوسفی و مقتل منظوم ابوالمفاخر

رازی بیش از دیگر شاعران مورد استناد واقع شده.

در نگارش کتاب از آرایه‌های مختلف ادبی استفاده شده، از جمله انواع تشبیه، انواع کنایه و استعاره و سجع و جناس، اشتقاق و شبه اشتقاق، قلب، تضاد، هم آوایی حروف، مراعات نظیر، تنسیق الصفات، ارسال مثل، تلمیح، تضمین، بهره جویی از آیات و احادیث، انواع توصیفات. توجه بیش از حد کاشفی به شاعرانگی در نگارش از دقت محتوایی اثر کاسته است. مثلاً پس از شهادت امام: «آفتاب عالم افروز از تاب باز ایستاد و ماه جهان آرای در چاه محاق افتاد. زهره برای دل زهرا دست از طرب بازداشت.... فرشتگان در جو هوا ناله برداشتند. جنین از نواحی کربلا به نوحه درآمدند. آسمان دامن از خون پر گردانید، زمین از غضب الهی بر خویش بلرزید... کوه‌ها به صدای درآمیز و نوای محنت‌انگیز بنالیدند.» (همان، ۴۷۰) او در نگارش این کتاب به سبک انشای گلستان سعدی نظر داشته و به ویژگی‌های ادبی و هنری بیش از روایت تاریخ توجه کرده است.

بیان داستانی و جزئی نگری در روایت

بسیاری از تحریفات به وجود آمده در این کتاب به شیوه قصه‌گویی و نقل‌های داستانی کاشفی باز می‌گردد. او گرایش زیادی به داستانی کردن وقایع داشته است. «در پرداخت به جزئیات و جریان‌ات فرعی، مؤلف مشخصاً با استفاده از تخیل و غلو، سعی در تهییج عواطف مخاطب می‌کند.» (نیک پایان، ۱۳۷۵: ۳۱) مؤلف با تشریح جزئیات ماجرا، حالتی قصه‌وار به آن بخشیده. «سخن گفتن حیوانات، ارتباط ماورای طبیعی اولیا با فرشتگان و ملائک، تشریح خواب‌ها و پیشگویی واقعه عاشورا در موقعیت‌های مختلف باعث گردیده تا خواننده با اثری داستانی روبرو باشد؛ هر چند چهارچوب و ساختمان این روایات داستان‌گونه، واقعیات تاریخی است.» (همان، ۳۴) در بیشتر توصیفات داستانی، کاشفی گویی در پی خلق یک اثر دراماتیک است. او اغلب به شیوه روایت دانای کل به بیان کشمکش‌های روحی و جسمانی اشخاص می‌پردازد و گونه‌ای تعلیق ایجاد می‌کند تا هم خواننده را به دنبال خود بکشد و هم سخنانش را باورپذیر سازد. آمیختگی کلیات تاریخی با جزئیات آفریده شده در ذهن نویسنده، حالتی قصه گونه ایجاد کرده و او را موفق کرده تا با بیانی حماسی، سوگنامه خود را روایت کند.

طبیعی است چنین کاری به ورود مجعولات ریز و درشت منتهی می‌شود. مثلاً هنگام به میدان رفتن حضرت قاسم داماد؟! امام «گفت: ای جان عم! به پای خود به گورستان می‌روی، بدین گونه نتوان رفت. دست کرد و گریانش چاک زد و هر دو دستارش به هر دو جانب رویش فرو گذاشت، و لباس به شکل کفن در پوشانید و تیغ خود به دست وی داد و به میدانش فرستاد، و قاسم روی به معرکه آورده و آغاز رَجَز کرد و...» (کاشفی، ۱۳۹۰: ۴۳۱) شهید مطهری هم در نقد این کتاب اشاره دارد که کاشفی داستان‌ها را به شکل افسانه آورده است و از وقتی این کتاب به دست مردم افتاد، کسی تاریخ واقعی امام حسین را مطالعه نکرد. (ر.ک: مطهری، ج ۱، ۱۳۶۵: ۵۴)

استناد به منابع غیر معتبر در مورد عاشورا

به طور کلی منابع مورد استفاده کاشفی دو دسته منبع است: ۱- منابع کهن مثل صحیح بخاری، سنن ترمذی، عیون اخباررضا، تاریخ طبری، ۲- منابع معاصر او که خود دو گونه‌اند؛ بعضی مثل شواهدالنبوه و روضه الاحباب تا حدی از اعتبار کافی برخوردارند و بعضی گمنام و کم‌اهمیت هستند که برخی از اخبار ضعیف از طریق آنها به کتاب راه بسته. (ر.ک: گوهری و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۱۰) استاد رسول جعفریان منابع مورد استفاده کاشفی را ۴۴ عنوان ذکر کرده‌اند. (ر.ک: جعفریان، ۱۳۹۱: ۵۰۴-۵۱۰) ولی در پژوهشی دقیق‌تر این منابع ۶۸ عنوان آمده که به تفکیک این‌گونه تقسیم بندی شده: ۱- تفاسیر ۸ کتاب ۲- کتب حدیث ۱۲ عنوان ۳- تاریخ و انساب ۱۰ کتاب ۴- سیره پیامبر ۷ عنوان ۵- مناقب و زندگی‌نامه اهل بیت (ع) ۹ کتاب ۶- مقاتل ۴ کتاب ۷- اخلاق و تصوّف ۵ کتاب ۸- ادبیات ۸ کتاب و ۵ کتاب هم نامعلوم و ناشناخته است. (ر.ک: گوهری و همکاران ۱۳۹۰: ۱۰۲-۱۰۹) شواهد النبوه جامی با ۳۷ بار استناد پر استفاده‌ترین اثر و بعد از آن روضه الاحباب دشتکی و مقتل الحسین خوارزمی و مقتل الشّهادی ابوالمفاخر رازی قرار گرفته که مخصوصاً در بیان واقعه عاشورا به آنها استناد بیشتری شده.

کاشفی در بسیاری موارد از دادن منبع خودداری کرده یا با عبارتهایی همچون: آورده اند...، راوی گوید...، اهل تاریخ برآیند... در بعضی تفاسیر آمده... در بعضی کتب آورده‌اند...

بسنده کرده و از ذکر منبع طفره رفته است و اتفاقاً بیشتر در همین مواقع مطالبی قابل نقد آورده است. گاهی نیز تنها اسم افراد را آورده و مطالبی را به آنها نسبت داده مثلاً از امام اسماعیل (ص ۴۹۵)، شیخ مفید (ص ۲۶۷)، حاکم خثعمی (ص ۳۷۷)، ندافی نسابه (ص ۵۳۵)، شیخ شرف‌الدین عبیدالله نسابه (ص ۵۳۱) مطالبی نقل کرده و منبعی ارائه نکرده است.

منابع فارسی در کار کاشفی زیادست که استفاده از این منابع که بسیاری مؤلفانش هم-روزگار وی بودند هم به دلیل در دسترس بودن آثار آنهاست، هم اینکه چون کتاب فارسی بوده و همه به شکلی مخاطب آن بودند نسبت به ترجمه عبارات عربی بهتر در متن جایگیر می شده و هم اینکه نوعی حرمت گذاری به فضایی عصر و مقبولیت تراشی برای اثرش در نزد آنها محسوب می شده است.

لازم به ذکر است بسیاری از مجعولات در این کتاب از منابعی است که کاشفی واقعاً از آنها استفاده کرده بنابراین «روضه الشهداء، سرچشمه همه اخبار مجعول مربوط به واقعه کربلا نیست و بسیاری از این دست اطلاعات مأخوذ از منابع پیش از کاشفی است.» (گوهری و سایرین، ۱۳۹۰: ۹۵)

اتکا به حافظه در امر نگارش

یکی دیگر از دلایل وجود اغلاط تاریخی و تحریفات در این کتاب این است که کاشفی واعظی توانمند و خوش حافظه محسوب می شده و احتمالاً او اعتماد زیادی به حافظه خویش داشته و مطالعاتی که از پیش در مجالس گوناگون با جرح و تعدیل و کاستن و افزودن مناسب مجلس وعظ بیان می کرده، به عنوان نقلی از آن کتاب آورده است؛ یا اینکه منبع را اشتباه نقل می نموده است؛ مثلاً از ۲۸ مورد نقلی که به تصریح او از مقتل خوارزمی ذکر کرده اصالتاً چهار مورد وجود ندارد و بعضی نیز با منبع اصلی تفاوت‌هایی دارد. آن چهار مورد عبارتند از: خودکشی ذوالجناح پس از شهادت امام حسین (ع)، آمدن لشکر جنیان برای یاری امام در عاشورا، آوردن سرهای شهدا در اربعین به کربلا و دفن آنها در کنار بدن‌های شهیدان، سخن مادر وهب بن عبدالله کلبی بعد از شهادت فرزندش. (ر.ک: به گوهری و

سایرین، ۱۳۹۰: ۱۱۲) متأسفانه امروزه نیز بعضی از خطبا و مادحین به دلیل تکیه بر حافظه و اعتماد به شنیده‌های بدون مأخذ به گسترش مجعولات کمک می‌کنند.

تأثیر از تفکرات و روش صوفیانه در نگارش

این کتاب با توجه به گرایش مؤلفش به فرقه نقشبندیّه متأثر از گفتمان و سبک نگارش و افکار صوفیانه است «به گونه‌ای که ویژگی‌های اندیشه تصوّف در مباحث مختلفی که نویسنده به آنها اشاره می‌کند آشکار است؛ تأثیرپذیری از مقولات صوفیانه حتی باعث برخی تحریفات در روایات واقعه کربلا در این کتاب شده است.» (برومند و حسنخانی، ۱۳۹۴: ۱) تحلیل او از نهضت امام بر بنیاد تحمل درد و رنج توسط اولیای خداست که باعث می‌شود ایشان با دچار شدن به این سختی‌ها به مقامات بلند عرفانی نائل شوند. هرکه در این بزم مقرب‌تر است / جام بلا بیشترش می‌دهند. او در اثرش از ابعاد ظلم ستیزانه قیام امام و اثرات تاریخی و سیاسی و اجتماعی نهضتش سخنی نگفته؛ گویی امام به شهادت رسیده تا باعث بخشایش گناهان امت شود همان نظری که مسیحیان در توجیه به صلیب کشیدن و مرارت‌های عیسی دارند به قول شهید مطهری: «من نمی‌دانم کدام جانی‌هایی، جنایت را به شکل دیگری بر حسین بن علی (ع) وارد کردند؟ و آن اینکه هدف حسین بن علی را مورد تحریف قرار دادند و همان چرندی را که مسیحی‌ها در مورد مسیح گفتند درباره حسین گفتند؛ که حسین کشته شد، برای آنکه بار گناهان امت را به دوش بکشد، برای اینکه ما گناه کنیم و خیالمان راحت باشد.» (مطهری، ج ۱، ۱۳۶۵: ۱۲۶-۱۲۷)

«رویکرد مذهبی کاشفی حاصل تعامل دو سه سده اخیر در حیات تشیع و تصوّف بود که امتزاجی نو عرضه کرد. بر این اساس و تحت تأثیر تصوّف، هم، مرز فرقه‌ای کم رنگ شد و هم نگاه عاطفی جای نگرش فقهی را گرفت. بدین ترتیب ائمه شیعه در جایگاه سرسلسله عارفان و زاهدان متابعت محض صوفیان را داشتند. این شیوه توانست مردم خراسان به ویژه هرات را مجذوب خود کرده و ضمن خودداری از پرداختن به مسائل اختلاف برانگیز به تبلیغ اسلام و گسترش فضایل اهل بیت بپردازد.» (امینی زاده و رنجبر، ۱۳۹۶: ۳۰)

تأثیر آموزه‌های تصوّف بر مقتل نگاری کاشفی در چهار حوزه قابل طرح است: ۱- تأکید

بر اصطلاحات، آداب و مقامات تصوّف مثل بلا و ابتلا، گریستن، عشق، محبّت، شاه، رضا، صبر. ۲- ذکر کرامات اولیا و بزرگان، بیان خواب‌ها و مکاشفات، یاد بزرگان صوفیه مثل منصور حلاج و شاه قاسم انوار. ۳- ذکر اشعار صوفیانه از خود و شاعرانی مثل مولوی، عطار، سنائی و حافظ. ۴- تبیین صوفیانه دشمنی یزید با امام حسین. (ر.ک: برومند اعلم و حسنخانی، ۱۳۹۴: ۱۱-۲۵)

نیاز جامعه آن روز به چنین کتابی و جذب مخاطب

کاشفی- همان گونه که ذکر شد- در محیط فرهنگی و مذهبی مهیا شده به وسیله بزرگان و امرای تیموری در هرات اوایل سده دهم هجری به نگارش چنین کتابی دست زده تا اولاً جای خالی یک مقتل کامل فارسی در خصوص عاشورا را پر نماید و ثانیاً با تهییج احساسات همه مردم علاقه قلبی آنان به ائمه شیعه به خصوص امام حسین(ع) را افزایش دهد. هدف او در درجه اول تبلیغی بوده و در درجه دوم پاسخ دادن به نیاز مخاطبانی که در مورد این موضوع نیاز به منبعی داشته‌اند و در مرتبه بعد جذب قلوب آنان به وسیله این کتاب به تشیّع. تاریخ‌نگاری از اهداف اصلی کاشفی نبوده که بخواهد حساسیت‌های نگارش یک اثر تاریخی مستند را لحاظ کند بنابراین نوعی تسامح خودخواسته در نوشتن این کتاب داشته و از همین روزنه تحریفات فراوانی به کتابش راه یافته است. او کتاب را به خواهش داماد سلطان حسین بایقرا به نام سید میرزا در پایان عمر به نگارش آورده (ر.ک: کاشفی، ۱۳۹۰: ۳۷) و شاید پیری نویسنده هم از دلایل بروز بعضی اغلاط در اثر باشد. طبیعی است اگر مخاطبان، نسبت به آنچه برای آنها نقل می‌شود حساسیت به خرج دهند صاحبان قلم و منبر در نقل مطالب دقّت و وسواس بیشتری به خرج می‌دهند.

پرهیز از ایجاد اختلاف مذهبی و رویکرد خاص مؤلف در نگارش

کاشفی بسیاری از موارد اختلافی را در کتابش طرح نکرده تا باعث ایجاد تفرقه بین شیعه و سنی در محیط اجتماعی روزگار نشود. مثلاً در ماجرای شهادت امام حسن به نقل از شواهد النبوه جامی، نامی از معاویه نمی‌آورد و او را تبرئه می‌کند. در حالی که جامی به نقش معاویه در این مسأله تصریح کرده است. (ر.ک: جامی، ۱۳۷۹: ۳۴۶) او در کتابش کمتر به نام معاویه

اشاره می‌کند تا آتش اختلافی روشن نشود. (ر.ک: گوهری و سایرین، ۱۳۹۰: ۱۱۲)

همچنین از ارائه شفاف رویدادهای اختلافی بین شیعه و سنی خودداری کرده، «اما فایده اصلی این کتاب برای شیعیان بود زیرا حبّ اهل بیت را ترویج و حتی مراسم عزاداری امام حسین (ع) را در بین اهل سنت احیا کرد. شاید به همین دلیل باشد که اهل سنت قبل از صفویان در بسیاری از موارد اسماً سنی بودند، اما اعتقادشان درباره اهل بیت (ع) کاملاً شیعی بود و آنها آمادگی پذیرش این جریان را داشتند.» (امین زاده و رنجبر، ۱۳۹۶: ۲۹)

کاشفی در پی مطرح کردن مباحث اختلافی و تقسیم خوانندگان خود به دو جبهه موافق و مخالف نبوده است بلکه هدف او ارائه کتابی بوده است که مقبول هر دو جناح شیعه و سنی قرار گیرد و عملاً هم این اتفاق افتاد. (ر.ک: گوهری و سایرین، ۱۳۹۰: ۱۱۲) مورد دیگری که می‌توان به عنوان شاهد مثال آورد در واقعه مانع شدن عده‌ای از به خاک سپردن امام حسن در روضه رسول اکرم است که به تیر باران بدن مطهر امام اشاره می‌کند اما از مخالفانی مثل عایشه و نقش او در این مسأله سخنی نمی‌گوید: «مخالفین جنازه را تیرباران کردند و از آنجا به بقیع برده دفن کردند.» (کاشفی، ۱۳۹۱: ۲۶۲) با همین ترفندها کاشفی «توانست در گرایش مردم از تسنن محض به تسنن عاطفی دوازده امامی در خراسان اواخر قرن نهم هجری نقش مهمی ایجاد کند.» (امینی زاده و رنجبر، ۱۳۹۶: ۳۰)

هدف بودن گریه‌ستانی برای کاشفی در نگارش این مقتل

ملاحظه‌کنین بیش از آنکه به فکر تأثیر بر عقل خوانندگانش باشد به دنبال تهییج عواطف و اثر گذاری بر احساسات آنهاست. ذکر مصائب اهل بیت (ع) راهی برای جلب قلوب و جذب دل‌های آحاد مردم به سوی آنها بوده. وقتی فضای جامعه بر نمی‌تابد تا در مورد مسائل اختلافی تاریخی و فقهی سخنی گفته شود بهترین راهی که به نظر کاشفی رسیده اثرگذاری بر قلوب مردم است. فضای اندوهگینی که از آغاز کتاب تا پایان مشاهده می‌شود و اینکه با ذکر روایات متعدّد این همه به ثواب گریستن بر امام و مصائب او تأکید شده به ناچار ذهن نویسنده را به سمت و سویی می‌برد که با توصیفات و افزودن مجعولات، بیشتر اشک خواننده را جاری سازد تا پاداش بیشتری ببرد. در چنین فضایی ورود تحریفات، طبیعی به

نظر می‌رسد.

نتیجه‌گیری

کتاب روضه‌الشعراى مولانا کمال‌الدین حسین واعظ کاشفی، از نویسندگان صاحب نام اواخر عصر تیموری، از آثار مهم و تأثیر گذار در زمینه بیان تاریخ عاشورا و تبلیغ تشیع است که با وجود ارزش‌های ادبی فراوان و استقبال عوام، در طول بیش از پانصد سالی که از تألیف آن می‌گذرد به وسیله خواص، به ویژه در عصر حاضر، مورد انتقاد و انکار قرار گرفته و آن را از عوامل مهم گسترش مجعولات و تحریفات دانسته‌اند. آنچه در این نوشتار تقدیم شد علاوه بر توضیح زمینه تاریخی نگارش این اثر به نقش سازنده آن در جذب قلوب خوانندگان اهل سنت به ائمه شیعه، مخصوصاً حضرت سید الشهداء (ع) اشاره داشت. توجه به زیبایی‌های ادبی، استفاده از اشعار و غفلت از محتوا، بیان داستانی و جزئی‌نگری در روایت، استناد به منابع غیر معتبر در مورد عاشورا، اتکا به حافظه در امر نگارش، تأثیر از تفکرات و روش صوفیانه در تألیف کتاب، نیاز جامعه آن روز به چنین کتابی، جذب مخاطب، پرهیز از ایجاد اختلاف مذهبی، رویکرد مذهبی خاص مؤلف در نوشتن کتاب و هدف بودن گریه‌ستانی برای کاشفی در نگارش این مقتل از مهمترین دلایل بروز تحریف و جعل در روضه‌الشهدا بوده است. این اثر باعث ترویج انواع تحریف و خرافه شده و هر چه از زمان تألیفش می‌گذرد اثرات منفی آن بر نقش مثبت و سازنده آن پیشی می‌گیرد؛ با این همه باید توجه داشت مساعی افرادی چون حسین کاشفی در پذیرش تشیع در سال‌های آغازین عهد صفوی بسیار مؤثر بوده است و بی‌راه نرفته‌ایم اگر بگوییم زمینه‌های توفیقات صفویه در رسمیت بخشی به تشیع، در عهد تیموری و در سایه سیاست تسامح مذهبی و ابراز علاقه آنها به ائمه شیعه فراهم شده است.

منابع

کتاب‌ها

- آئینه‌وند، صادق (۱۳۷۷) علم تاریخ در گستره تمدن اسلامی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- اشراقی، محمد (۱۳۷۹) الاربعین الحسینیه، چاپ دوم، تهران: انتشارات اسوه.
- افندی اصفهانی، ملا عبدالله (۱۴۰۱) ریاض العلماء و حیاض الفضلاء، جلد ۲، به کوشش سید احمد حسینی، قم: انتشارات کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی.
- الفاخوری، حنا (۱۳۸۶) تاریخ ادبیات زبان عربی از عصر جاهلیت تا قرن معاصر، ترجمه عبدالمحمد آیتی، چاپ هفتم، تهران: انتشارات توس.
- امین، سید محسن (۱۴۲۱ق) اعیان الشیعه، ۱۱ جلدی، بیروت: انتشارات دارالتعارف.
- جامی، عبدالرحمن (۱۳۷۴) بهارستان، به تصحیح اسماعیل حاکمی، چاپ سوم، تهران: انتشارات اطلاعات.
- جامی، عبدالرحمن (۱۳۷۹) شواهد النبوه، به کوشش حسن امین، تهران: نشر میر کسری.
- جدیدی، حمیدرضا (۱۳۹۴) بند بند عشق (نگاهی به تاریخ، شعرا و ترکیب بندهای عاشورایی)، کرج: نشر چکامه باران.
- جدیدی، حمیدرضا (۱۳۹۵) تیموریان و زبان و ادب فارسی، از مغولان تا تیموریان (مطالعاتی در تاریخ سیاسی - اجتماعی ایران)، به کوشش رفیعی و جدیدی، کرج: نشر چکامه باران.
- جعفریان، رسول (۱۳۹۱) تأملی بر نهضت عاشورا، تهران: مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه.
- خواند میر، غیاث الدین (۱۳۸۰) روضه الصفا، جلد هفتم، مجلد یازدهم، به تصحیح جمشید کیان‌فر، تهران: انتشارات اساطیر.
- خواندمیر، غیاث‌الدین (۱۳۳۳) تاریخ حبیب‌السیر فی اخبار بشر، ۴ جلدی، با مقدمه علامه همایی و زیر نظر دبیرسیاقی، تهران: انتشارات عطار.

- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷) لغت نامه، انتشارات دانشگاه تهران، تهران: دوره جدید.
- راغب اصفهانی (۱۳۹۰) المفردات فی غرایب القرآن، ترجمه حسین خداپرست، قم: انتشارات نوید اسلام.
- رفیعی، امیر تیمور؛ جدیدی، حمیدرضا (۱۳۹۵) از مغولان تا تیموریان (مطالعاتی در تاریخ سیاسی - اجتماعی ایران)، کرج: نشر چکامه باران.
- شامی، نظام الدین (۱۳۶۳) ظفرنامه، به کوشش پناهی سمنانی، تهران: انتشارات بامداد.
- شعرانی، ابوالحسن (۱۳۸۲) تصحیح و مقدمه بر روضه الشهدی کاشفی، قم: انتشارات نوید اسلام.
- صفا، ذبیح الله (۱۳۷۱) تاریخ ادبیات در ایران، جلد ۴، چاپ هشتم، تهران: انتشارات فردوس.
- قاضی طباطبایی (۱۳۸۳) تحقیق درباره اولین اربعین حضرت سیدالشهدا، تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- کاشفی، حسین بن علی (۱۳۸۲) روضه الشهدا، تصحیح و مقدمه ابوالحسن شعرانی، قم: انتشارات نوید اسلام.
- کاشفی، حسین بن علی (۱۳۹۱) روضه الشهدا، تصحیح و تحشیه محمد روشن، چاپ دوم، تهران: انتشارات صدای معاصر.
- مطهری، مرتضی (۱۳۶۵) حماسه حسینی، ۳ جلدی، قم: انتشارات صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۹۱) عدل الهی، چاپ سی و هشتم، قم: انتشارات صدرا.
- هگل. گ. و (۱۳۶۶) عقل در تاریخ، ترجمه حمید عنایت، تهران: مؤسسه انتشارات علمی دانشگاه صنعتی شریف.

مقاله‌ها

- امینی زاده، علی؛ رنجبر محمد علی (۱۳۹۶) واکاوی اندیشه سیاسی - مذهبی ملا حسین واعظ کاشفی (۸۲۰-۹۱۰ ق)، فصلنامه پژوهش‌های ادبی تاریخی (علمی - پژوهشی) معاونت پژوهش و فناوری دانشگاه اصفهان، سال ۵۳، دوره جدید سال نهم، صص ۱۷-۲۳.

- برومند اعلم، عباس؛ حسنخانی، علی (۱۳۹۴) تأثیر آموزه‌های تصوّف بر مقتل نگاری واعظ کاشفی در روضه الشهداء، تاریخنامه ایران بعد از اسلام، سال پنجم، شماره ۱۰، صص ۱-۳۲.
- دبیران، حکیمه؛ تسنیمی علی (۱۳۸۷) کاشفی و نقد و بررسی روضه الشهداء، فصلنامه پژوهش‌های ادبی، سال پنجم، شماره ۳۰، صص ۲۵-۴۲.
- رفیعی، امیر تیمور (۱۳۷۵) سیاست مذهبی امیر تیمور گورکانی، مجله ایران‌شناسی، دوره جدید، سال هشتم، شماره ۱، صص ۱۲۵-۱۳۳.
- رفیعی، امیر تیمور (۱۳۸۲) اُلغ بیگ و گرایش مذهبی او، مجله ایران‌شناسی، دوره جدید، سال پانزدهم، شماره ۳، صص ۵۶۷-۵۷۷.
- رفیعی، امیر تیمور (۱۳۸۳) سیاست مذهبی شاهرخ تیموری، مجموعه مقالات نخستین همایش ملی ایران‌شناسی، انتشارات بنیاد ایران‌شناسی، صص ۲۶۵-۲۷۷.
- شهیدی، حمیده (۱۳۹۵) سیاست مذهبی سلطان حسین بایقرا (مطالعه موردی: تأثیر بر تشیع)، مطالعات تاریخ اسلام، سال هشتم، شماره ۲۶، صص ۶۱-۸۱.
- گوهری، مصطفی؛ کاظم بیگی، محمد علی؛ قنوت، عبدالرحیم (۱۳۹۰) روضه الشهداء از روایات مجعول تا تأثیرگذاری (بررسی علل ورود اخبار ضعیف تاریخی به کتاب روضه الشهداء)، مجله مطالعات اسلامی؛ تاریخ و فرهنگ، سال چهل و سوم، شماره ۸۴-۸۶ بهار و تابستان، صص ۹۵-۱۲۰.
- نیک پایان، مرتضی (۱۳۷۵) بررسی روایت وقایع عاشورا در روضه الشهداء، فرهنگ اصفهان، بهار، شماره ۱۱، صص ۲۸-۳۹.
- یوسفی، غلامحسین (۱۳۹۳) کاشفی سبزواری، دانشنامه زبان و ادب فارسی، جلد ۵، انتشارات فرهنگستان زبان و ادب فارسی، صص ۳۰۸-۳۱۳.

References:

Books

- Aynehvand, Sadegh (1998) **The science of history in the context of Islamic civilization**, Tehran: Institute of Humanities and Cultural Studies.

- Ishraqi, Mohammad (2000) **Al-Arbaeen Al-Husseiniyah, second edition**, Tehran: Aswa Publications.
- Effendi Isfahani, Mullah Abdullah (1981) **Riyadh al-Ulama wa Hayat al-Fadla** ', Volume 2, by Seyyed Ahmad Hosseini, Qom: Ayatollah Marashi Najafi Library Publications.
- Al-Fakhouri, Hanna (2007) **History of Arabic language literature from the age of ignorance to the contemporary century**, translated by Abdul Mohammad Ayati, seventh edition, Tehran: Toos Publications.
- Amin, Seyyed Mohsen (2001 AH) **Shiite nobles**, 11 volumes, Beirut: Dar al-Ta'rif Publications.
- Jami, Abdolrahman (1995) **Baharestan, edited by Ismail Hakemi**, third edition, Tehran: Information Publications.
- Jami, Abd al-Rahman (2000) **Evidences of Prophethood**, by Hassan Amin, Tehran: Mir Kasra Publishing.
- Jadidi, Hamidreza (2015) **Eshgh Band (A look at the history, poets and composition of Ashura verses)**, Karaj: Chakameh Baran Publishing.
- Jadidi, Hamidreza (2016) **Teymourians and Persian Language and Literature, from the Mongols to the Teymourians (Studies in the Socio-Political History of Iran)**, by Rafiei and Jadidi, Karaj: Chakameh Baran Publishing.
- Jafarian, Rasoul (2012) **A Reflection on the Ashura Movement**, Tehran: Ghaemibeh Computer Research Center.
- Khandmir, Ghias-ud-Din (2001) **Roza al-Safa**, Volume 7, Volume 11, edited by Jamshid Kianfar, Tehran: Asatir Publications.
- Khandmir, Ghias al-Din (1954) **History of Habib al-Sireh in human news**, 4 volumes, with introduction by Allameh Homayi and under the supervision of Dabirsiyaghi, Tehran: Attar Publications.
- Dekhoda, Ali Akbar (1998) **Dictionary**, University of Tehran Press, Tehran: New Era.

- Ragheb Isfahani (2011) **Al-Mufradat Fi Gharaib Al-Quran**, translated by Hussein Khodaparast, Qom: Navid Islam Publications.
- Rafiei, Amir Teymour; Jadidi, Hamidreza (2016) **From the Mongols to the Timurids (Studies in the Socio-Political History of Iran)**, Karaj: Chakameh Baran Publishing.
- Shami, Nizamuddin (1984) **Zafarnameh**, by Panahi Semnani, Tehran: Bamdad Publications.
- Sha'rani, Abolhassan (2003) **Correction and introduction to Kashfi shrine**, Qom: Navid Islam Publications.
- Safa, Zabihollah (1992) **History of Literature in Iran**, Volume 4, Eighth Edition, Tehran: Ferdows Publications.
- Judge Tabatabai (2004) **Research on the first forty of Hazrat Seyyed al-Shohada**, Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance Publications.
- Kashefi, Hussein Ibn Ali (2003) **Rawdat al-Shuhada**, correction and introduction by Abul Hassan Sha'rani, Qom: Navid Islam Publications.
- Kashefi, Hossein Ibn Ali (2012) **Roza al-Shuhada**, correction and annotation by Mohammad Roshan, second edition, Tehran: Contemporary Voice Publications.
- Motahari, Morteza (1986) **Hosseini Epic**, 3 volumes, Qom: Sadra Publications.
- Motahari, Morteza (2012) **Divine Justice**, thirty-eighth edition, Qom: Sadra Publications.
- Hegel. گ. And (1987) **Wisdom in History**, translated by Hamid Enayat, Tehran: Sharif University of Technology Scientific Publishing Institute.
- **Articles**
- Aminizadeh, Ali; Ranjbar Mohammad Ali (2017) **Analysis of the political-religious thought of Mullah Hussein Vaez Kashefi (920-820 AH)**, Quarterly Journal of Historical Literary Research (Scientific-Research) Vice Chancellor for Research and

- Technology, University of Isfahan, Volume 53, New Year 9, pp. 17-23.
- Boroumand Alam, Abbas; Hasankhani, Ali (2015) **The Impact of Sufism Teachings on the Murder of the Preacher Kashefi in the Shrine of the Martyrs**, History of Iran after Islam, Fifth Year, No. 10, pp. 1-32.
 - Teachers, Wise; Tasnimi Ali (2008) **Discovery and Critique of the Shrine of the Martyrs**, Quarterly Journal of Literary Research, Fifth Year, No. 30, pp. 25-42.
 - Rafiei, Amir Timur (1996) **Religious Politics of Amir Teymour Gurkhani**, Journal of Iranian Studies, New Era, Eighth Year, No. 1, pp. 125-133.
 - Rafiei, Amir Timur (2003) **Ugh Beyg and his religious orientation**, Journal of Iranian Studies, New Era, Fifteenth Year, No. 3, pp. 578-577.
 - Rafiei, Amir Timur (2004) **Shahrokh Teymouri's Religious Policy**, Proceedings of the First National Conference on Iranology, Iranology Foundation Publications, pp. 265-277.
 - Shahidi, Hamideh (2016) **The Religious Policy of Sultan Hussein Bayqara (Case Study: The Impact on Shiism)**, Studies in the History of Islam, Year 8, No. 26, pp. 61-81.
 - Gohari, Mustafa; Kazem Beigi, Mohammad Ali; Qanawat, Abdul Rahim (2011) **Rawdat al-Shuhada from fabricated narrations to effectiveness (Investigating the reasons for the entry of weak historical news in the book Rawdat al-Shuhada)**, Journal of Islamic Studies; History and Culture, Forty-third Year, No. 84-86 Spring and Summer, pp. 95-120.
 - Nik Payan, Morteza (1996) **A Study of the Narration of the Events of Ashura in the Shrine of the Martyrs**, Farhang Isfahan, Bahar, No. 11, pp. 28-39.
 - Yousefi, Gholam Hossein (2014) **Kashefi Sabzevari**, Encyclopedia of Persian Language and Literature, Volume 5, Publications of the Academy of Persian Language and Literature, pp. 308-313.

The role of Kashefi's Martyrs Elegies in the Spreading of Ashura History Distortions

Dr. Hamidreza Jadidi¹

Abstract

Mullah Hussein Kashefi's Martyrs Elegies book (910 A.H) which depicts Ashura's Events is one of the first books about the killings of Ashura which enjoy a literary language attraction of great influence. Since its writing, this book has been criticized its wrong narration of the history of this event. It is considered one of the first books giving wrong historical accounts with poor historical supports about event happening on Ashura. In this article, after a brief account about the late Timurids era and Kashefi's biography, different ideas about this book and its author have been discussed along with the reasons for distortions mentioned in the book and public interest in it. Also resources used and his narration style have been studied. The findings show that the main reasons for such distortions are Kashefi's lack of source, fictional narration style like Sufis, relying on his own memories as an orator, lack of accuracy in his narrations of events, and Kashefi's intention to motivate Shiites of his time to create a connection with Prophet Mohammad 's family (PBUH). It can also be said that Timurids in Khorasan created an atmosphere from which a kind of Shiites was born by which the Safavids advertise this kind of shiism.

Keyword: historical distortions, Kashefi'd elegy of the martyrs, death narrations, Ashura, morning, Timurids

¹. Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Mahallat Branch, Islamic Azad University, Mahallat, Iran. Jadidi.hamidreza@gmail.com